

نهاد انتخاباتی پارلمان در حکمرانی مدرن؛ امکان سنجی نظام انتخاباتی تناسبی برای جمهوری اسلامی ایران

حمزه علیشاهی^۱
فرامرز میرزا زاده^{۲*}
حسن خداوردی^۳

چکیده

دموکراسی مدرن در اغلب کشورهای جهان یکی از اصلی‌ترین بخش‌های زندگی سیاسی امروز به‌شمار می‌آید و پارلمان و نظام پارلمانی نقش ویژه‌ای در این کشورها ایفا می‌نمایند. در این راستا، انتخابات امروزه به‌عنوان یکی از ارکان دموکراسی نقش مهمی در مشارکت و نظارت شهروندان بر عملکرد و تصمیمات کارگزاران نظام‌های سیاسی دارد. در این بین انتخابات مجلس هر کشور متناسب با الگوی نظام انتخاباتی آن کشور دارای جایگاه متفاوتی است که خود می‌تواند مبتنی بر احزاب قدرتمند باشد. سابقه بیش از یک قرن پارلمان در ایران، با نظام انتخاباتی اکثریتی از سال ۱۲۸۵ تاکنون، دارای نواقصی است که در قالب طرح استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی در آستانه یافتن جایگزین مناسبی است. در این راستا، با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش به دنبال بررسی این سوال است، این جایگزین مبتنی بر چه نوع نظام انتخاباتی باشد تا بتواند، ضمن تقویت حزب، از کارآیی و کارآمدی بالایی برخوردار باشد؟ مقاله با این فرض به دنبال پاسخ به مسأله فوق است که نظام انتخاباتی تناسبی بهترین بدیل ممکن برای نظام پارلمانی جمهوری اسلامی ایران است که هم می‌تواند منجر به احزاب مستقل و قدرتمند شود و هم در تجارب بسیاری از کشورها نیز به عنوان الگوی مناسب، کارآیی و کارآمدی داشته است. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با اتکاء به تجارب کشورهای همچون کانادا، نیوزلند، انگلستان و ایتالیا در صدد تبیین فرضیه طرح شده بر آمده و در نهایت به این نتیجه رسیده است که نظام انتخاباتی تناسبی (به‌خصوص در حوزه‌های غیر تک‌کرسی) می‌تواند به جای نظام فعلی، مبنای استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی محسوب شود.

واژگان کلیدی: مجلس شورای اسلامی، استانی شدن، نظام تناسبی، نظام اکثریتی، فرمول انتخاباتی

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار علمی گروه علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)
* f.mirzazade@gmail.com

۳. استادیار علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۶

مقدمه

دموکراسی امروزه به ارزشی فراگیر در بین جوامع مختلف بدل شده است. انتخابات به‌عنوان مهم‌ترین نمود دموکراسی و مردم‌سالاری نقش مهمی در انتقال قدرت سیاسی دارد و به‌عنوان ابزاری جهت بیان خواسته‌های مردم از نظام سیاسی و شیوه‌هایی برای پایش، نظارت و کنترل بر تصمیمات و اعمال کارگزاران حکومتی است. از این رو انتخابات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش دموکراسی، مردم‌سالاری و حکمرانی خوب محسوب می‌شود. انتخابات به‌عنوان بستری برای رقابت تشکلیها و جناح‌های سیاسی، همواره نقش اساسی در حیات سیاسی جامعه ایران بخصوص بعد از انقلاب ایفا نموده است و به‌عنوان ابزاری مهم در مشارکت سیاسی، نقطه عطف تغییر و تحولات سیاسی بوده است. در دموکراسی‌های امروزی قوه مقننه با نمایندگانی شناخته می‌شوند که منتخب عامه مردم هستند. پارلمان هر کشور به‌عنوان نهاد قانون‌گذاری، متناسب با مدل حکومتی و جایگاه نهاد پارلمان در قانون اساسی آن کشور نقش مهمی از نظارت‌های گسترده بر اعمال دولت و اجرای قوانین تا تعیین و انتخاب دولت‌ها بر عهده دارد.

سابقه تشکیل مجلس در ایران نزدیک به ۱۱۵ سال قبل و به زمان مشروطه برمی‌گردد که از این حیث دست‌کم در خاورمیانه نسبت به سایر کشورها پیشرو بوده است. پارلمان در ایران ابتدا به‌صورت نظام تک‌مجلسی و در قالب مجلس شورای ملی تبلور یافت و سپس با اضافه شدن مجلس سنا در سال ۱۳۲۸ دو مجلسی شد. پس از انقلاب اسلامی در قانون اساسی ج ۱ ایران، پارلمان به‌صورت نظام یک‌مجلسی و با نام مجلس شورای اسلامی انتخاب گردید. در این بین، «نظام انتخاباتی» که طبق قانون اساسی هر کشوری تعیین می‌گردد در زمره شاخص‌ترین عناصر تأثیرگذار به شمار می‌روند که نقش‌آفرینی آن‌ها در شایسته‌گزینی و انتخاب نامزدهای اصلح، میزان مشارکت شهروندان، تقویت نظام حزبی، کارآمدی و ثبات نظام سیاسی، برقراری ارتباط میان انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و موضوعات مهم دیگری از این دست غیرقابل‌انکار است. نظام انتخاباتی به کار گرفته شده برای برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال‌های بعد از انقلاب، نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای است که از جمله

نظام‌های اکثریتی محسوب می‌شود. این نظام انتخاباتی پیامدهای خاصی برای حوزه سیاست در پی داشته که تضعیف و یا جلوگیری از شکل‌گیری احزاب سیاسی در ایران از نمونه‌های آن است. حال مسأله اصلی این است که چگونه می‌توان از این ضعف‌ها و نواقص رهایی یافت و چه نوع نظام انتخاباتی می‌تواند بدیل مناسبی برای انتخابات مجلس شورای اسلامی باشد؟ همان‌گونه که تجارب کشورهای مختلف نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد نظام انتخاباتی تناسبی می‌تواند با طرح استانی شدن انتخابات (به‌خصوص در حوزه‌های غیر تک‌کرسی) ضمن تقویت احزاب، از کارآیی و کارآمدی بالایی برخوردار و از ضعف و نواقص نظام انتخاباتی اکثریتی مبرا باشد.

ما در ادامه و به منظور تبیین فرضیه فوق، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بعد از مرور پیشینه تحقیق ابتدا چارچوب نظری تحقیق، سپس تعدد نظام انتخاباتی در سطح جهان و در ادامه تجارب برخی کشورهای پیش‌رو در نظام انتخاباتی تناسبی را بررسی خواهیم کرد و در نهایت با بررسی نظام انتخاباتی در ایران چرایی گذار به نظام انتخاباتی تناسبی را در چارچوب طرح استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی تبیین خواهیم نمود.

پیشینه تحقیق

از جمله نخستین افرادی که به شکلی منسجم و علمی به مطالعه نظام‌های انتخاباتی و پیامدهای سیاسی آن پرداخت موریس دوورژه بود. وی با بررسی نوع نظام‌های انتخاباتی مختلف در کشورهای متعدد به این نتیجه رسید که رابطه مستقیمی بین نوع نظام‌های انتخاباتی یک کشور و نوع نظام حزبی آن برقرار است. بر اساس یافته‌های وی نظام‌های انتخاباتی اکثریتی تک مرحله‌ای باعث ایجاد نظام‌های دو حزبی، و نظام‌های انتخاباتی تناسبی و اکثریتی دو مرحله‌ای باعث ایجاد نظام‌های چند حزبی می‌شوند (دوورژه، ۱۳۸۹: ۴۵).

پس از دوورژه تحقیقات و پژوهش‌های بی‌شماری در باره نظام‌های انتخاباتی و پیامدهای سیاسی آن‌ها در کشورهای گوناگون انجام شد. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد که نظام‌های انتخاباتی نه فقط در نوع نظام حزبی کشور تاثیر می‌گذارند، بلکه سایر

بخش‌های سیاسی کشور را هم به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهند (Taagepera and Shugart, 1991: 15).

از جمله مهم‌ترین بخش‌های سیاسی که شدیداً تحت تاثیر نظام انتخاباتی اند می‌توان از نوع نظام حکومتی، نظام حزبی، شکاف‌های اجتماعی، وضعیت و جایگاه سیاسی زنان، وضعیت سیاسی اقلیت‌ها و میزان مشارکت شهروندان در انتخابات یاد کرد (Norris, 2008: 25).

با آشکار شدن اهمیت نظام‌های انتخاباتی در حیات سیاسی یک کشور و تاثیر تعیین‌کننده آن‌ها، مطالعه نظام‌های انتخاباتی به تدریج به یکی از شاخه‌های فرعی جامعه‌شناسی سیاسی تبدیل شد و به این ترتیب رشته فرعی مطالعه نظام‌های انتخاباتی یا «مهندسی انتخاباتی» شکل گرفت (Reynolds and Mosley, 2002: 5). در نتیجه، پژوهش‌ها و مطالعات گسترده‌ای در زمینه نظام‌های انتخاباتی و پیامدها و نتایج سیاسی آن‌ها در کشورهای گوناگون به انجام رسید. محققان و پژوهشگران رشته مطالعات نظام‌های انتخاباتی در کشورهای گوناگون کوشیده‌اند تا ضمن مطالعه نظام انتخاباتی کشور خود و مقایسه آن با نظام‌های انتخاباتی سایر کشورها و نتایج مثبت و منفی نظام انتخاباتی خود را آشکار کنند و با تغییر کل یا بخشی از آن نظام انتخاباتی نقاط ضعف آن را رفع و نقاط قوت آن را تقویت کنند (Gallagher and Mitchell, 2008). در این راستا، در حوزه پژوهش‌های فارسی در بعد تاثیر گذاری نظام‌های انتخاباتی بر ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

خرمشاد و رفیعی قهساره (۱۳۹۷) بر تاثیر نظام انتخاباتی بر نظام حزبی در ایران پرداخته و معتقدند که یکی از مؤلفه‌هایی که می‌تواند تأثیرات عمیقی بر احزاب سیاسی و نظام سیاسی هر کشور بگذارد، نظام انتخاباتی است. نطنزی (۱۳۹۶) نیز در تحقیق خود بر «امکان‌سنجی نقش احزاب در فرآیند انتخابات» پرداخته و با تأکید بر اصلاح نظام انتخاباتی ایران معتقد است که ساختارهای انتخاباتی ایران در قریب بالاتفاق ادوار، مبنای اکثریتی داشته است و قوانین، زیرساخت‌ها و احزاب بر این مبنای شکل یافته‌اند. همچنین، اکبری و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان «استانی شدن انتخابات؛

تمرکزگرایی یا تمرکززدایی» بر این باورند که طرح استانی شدن انتخابات، علی‌رغم اهداف و دعاوی طراحان و موافقان، سبب تشدید تمرکزگرایی در سطح ملی و استانی، انزوای مناطق حاشیه‌ای و کم‌جمعیت و کاهش مشارکت مردم این مناطق در انتخابات، به‌ویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی خواهد شد. یا شجاعی (۱۳۹۲) در تحقیق خود بر توده‌ای، غیرسازمان‌یافته، دولتی بودن و تهییج بسیج عمومی مردم توسط نظام انتخابات فعلی در ایران تأکید دارد.

میرزاده کوهشانی (۱۳۹۰) ضمن پذیرش امکان استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی می‌نویسد که امکان تغییر مرز حوزه‌های انتخابیه و انطباق آن با مرکز استان‌ها وجود دارد ولی در صورت فراهم نساختن زیرساخت‌های لازم اگرچه مشکلات نظام فعلی مرتفع خواهد شد اما با چالش‌ها و مشکلات جدیدی نظیر افزایش هزینه‌های انتخاباتی، کاهش حس بومی و عدم توان نمایندگان در رسیدگی به سطوح پایین و ورود افراد مشهور و متمول روبه‌رو خواهد شد. تقی‌زاده و ضرغامی (۱۳۸۸) نیز معتقدند که برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه‌های انتخابیه استان می‌تواند از یک‌سو دارای مزایایی همچون پرداختن بهتر نمایندگان به وظایف ملی، گسترش فرهنگ حزب، کاهش اختلافات و درگیری‌های قومی می‌گردد و از سوی دیگر معایبی نظیر، بی‌پاسخ ماندن خواسته‌های مردم و کاهش مشارکت مردم به دنبال خواهد داشت.

چارچوب نظری: نظام انتخاباتی تناسبی

نظام‌های انتخاباتی از جمله مهم‌ترین نهادهای سیاسی در هر کشور هستند (4- Farell, 2011: 5). اهمیت نظام انتخاباتی در حیات سیاسی یک کشور و تأثیر تعیین‌کننده آن بر نوع نظام حکومتی، نظام حزبی، شکاف‌های اجتماعی، وضعیت و جایگاه سیاسی زنان، وضعیت سیاسی اقلیت‌ها و میزان مشارکت شهروندان آشکار بوده و رابطه مستقیمی دارد (Noris, 2004: 25). در واقع، نظام‌های انتخاباتی ترتیب تبدیل آرا انتخاب‌کنندگان به کرسی‌های نمایندگی را مشخص می‌کند (منصوریان، ۱۳۹۶: ۳). پس، نظام‌های انتخاباتی را می‌توان مجموعه‌ای از قوانین و مقررات دانست که بر اساس آن‌ها آرای که در یک انتخابات عمومی به صندوق انداخته شده است به کرسی‌هایی تبدیل

می‌شوند که احزاب و کاندیداها آن‌ها را اشغال می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۲). در واقع نظام‌های انتخاباتی بر اساس آرایه‌ای که رأی‌دهندگان به صندوق رأی انداخته‌اند پیروز انتخابات را مشخص می‌کنند و تعیین می‌کنند که هر حزب یا گروه سیاسی چه سهمی از قدرت داشته باشند (لانلد، ۱۳۸۹: ۳۱).

موریس دوورژه در کتاب احزاب سیاسی خود، تأثیر نظام‌های انتخاباتی بر ساختار احزاب سیاسی را در سه قانون کلی خلاصه کرده است. طبق قانون اول، نظام انتخاباتی اکثریتی یک مرحله‌ای موجب پیدایش نظام دو حزبی می‌شود. چرا که در چنین نظامی، احزاب سیاسی به تنهایی امید پیروزی در انتخابات را ندارند و باید همه‌ی گروه‌ها و جناح‌های هم‌سو را برای ارائه‌ی نامزدهای مشترک بسیج کرد. در نظام انتخاباتی اکثریتی یک مرحله‌ای، کسانی که بیشترین آرا را نسبت به دیگران کسب می‌کنند، برندگان انتخابات محسوب می‌شوند. در نتیجه، در مواردی که گروه‌ها و احزاب متعددی در انتخابات شرکت می‌کنند، ممکن است یک حزب با آرای بسیار ناچیز، برنده‌ی انتخابات شود.

بر اساس قانون دوم، انتخابات دو مرحله‌ای اکثریتی باعث پیدایش نظام چند حزبی و احزاب ضعیف و وابسته به هم می‌شود و جامعه به جای آنکه دو حزبی باشد، به سمت دوقطبی شدن سوق می‌یابد. در این نوع نظام انتخاباتی تنها کسانی می‌توانند در دور اول انتخاب شوند که اکثریت مطلق (نصف + یک رأی دهندگان) را به دست آورده باشند. در برخی موارد، علاوه بر احراز اکثریت، حد نصاب‌های دیگری نیز در نظر گرفته‌اند. در این نظام انتخاباتی اگرچه احزاب و گروه‌های کوچکتر در دور اول می‌توانند در انتخابات حضور فعال داشته باشند، ولی عملاً در مجلس غایب‌اند. در نتیجه در تشکیل دولت و در تصمیم‌گیری‌ها فاقد هرگونه نقشی هستند. در حقیقت، واجدان اکثریت، همه‌ی قدرت را در اختیار خواهند داشت. و بر اساس سومین قانون، انتخابات تناسبی موجب پیدایش نظام چند حزبی با احزاب منسجم، مستقل و قدرتمند می‌شود. در چنین نظامی، احزاب سیاسی دلیلی برای ائتلاف با دیگر احزاب نمی‌بینند و به تنهایی می‌توانند درصدی، هرچند اندک از کرسی‌ها را با بسیج رأی دهندگان خود به دست آورند. البته، از ترکیب و تلفیق این نظام‌های انتخاباتی می‌توان نظام انتخاباتی تلفیقی به وجود آورد.

با این حال، گزینش یکی از فرمول‌های انتخاباتی اکثریتی، تناسبی، مختلط و چگونگی محاسبه و تخصیص کرسی‌های نمایندگی، تعیین وسعت و تعداد حوزه‌های انتخاباتی و ترسیم حدود آن‌ها، مشخص کردن نصاب‌های لازم برای کسب کرسی‌های نمایندگی و معلوم ساختار برگه رأی‌دهی از جمله مهم‌ترین سازوکارهایی هستند که طراحی هماهنگ و منسجم تمامی آن‌ها از یک نظام انتخاباتی مطلوب انتظار می‌رود.

پیدایش نظام‌های انتخاباتی در جهان و تکامل آنها تا قرن نوزدهم میلادی تنها در قلمروی نظام‌های انتخاباتی کثرتی- اکثریتی صورت می‌گرفته است و تا این زمان اثری از نظام‌های تناسبی یا نیمه تناسبی وجود نداشته است. نظام‌های تناسبی بطور کلی در حقیقت حاصل تفکر و محاسبات متخصصین مسائل انتخابات در اروپا بویژه ریاضیدانانی است که به این موضوع علاقه نشان می‌داده‌اند. آنان با هدف برطرف کردن عیب مهم و اساسی مجموعه نظام‌های متعلق به خانواده نظام‌های انتخاباتی کثرتی- اکثریتی، به ویژه نظام نخست نفری بعنوان نظام شاخص در این خانواده، که همانا ناعدلانه بودن این نظام‌ها می‌باشد، به ابداع روش‌ها و فرمول‌های جدید انتخاباتی پرداختند. طرفداران این نظام انتخاباتی بر این باورند که در این نظام تمام آراء ماخوذه مجموعه محاسبه می‌شود و هر حزبی به نسبت سهمی که در آراء مردم دارد در اداه امور کشور مشارکت می‌نماید (Powell, 2000: 201-210).

بر پایه فرمول‌های جدید انتخاباتی که به این ترتیب ابداع شدند، نظام‌های انتخاباتی تناسبی پا به عرصه حیات گذاشتند. در این دسته از نظام‌ها انتخاباتی که مهم‌ترین و شاخص‌ترین عضو آن نظام انتخاباتی تناسبی فهرستی می‌باشد، تلاش شده است که نتایج انتخابات تا بیشترین حد ممکن تناسبی باشد. به این معنی که فرمول انتخاباتی بکار رفته در کنار سایر روش‌های مورد استفاده در انتخابات عادلانه‌ترین سهم را از کرسی‌های پارلمان به احزاب و کاندیداهای رقب اختصاص بدهد. یعنی اینکه هر حزب رقیب بتواند تقریباً معادل همان سهمی که از آراء به صندوق ریخته شده توسط رای‌دهندگان به دست آورده است، در پارلمان کرسی در اختیار داشته باشد (Reynolds and etal, 2005: 60-57).

خانواده نظام‌های تناسبی که از سه عضو اصلی: نظام فهرستی، نظام ترکیبی و نظام انتقالی تشکیل شده است، با این هدف بوجود آمده است که بر خلاف خانواده نظام‌های کثرتی - اکثریتی، تمامی احزاب و گروه‌ها و لو کوچک و در اقلیت بتوانند به اندازه سهم خود نماینده یا نمایندگانی در پارلمان داشته باشند، نه این که بنا به قاعده «برنده همه کرسی‌ها را می‌برد» احزاب قوی و در اکثریت علاوه بر هم خود از کرسی‌ها به «کرسی‌های اضافی» هم دست یابند و سهم کرسی‌های احزاب اقلیت را هم نصیب خود نمایند. به عبارت دیگر، نظام‌های تناسبی می‌خواهند که تقسیم کرسی‌های پارلمان تا آنجا که امکان دارد انعکاس رای دهندگان باشد و اختلاف میان سهمی که احزاب از مجموع آراء رای دهندگان دارند با سهمی که از مجموع کرسی‌های پارلمانی بدست می‌آورند، به حداقل برسد (Richard, 2000: 227-238).

نظام‌های انتخاباتی در جهان معاصر

شواهد و قرائن موجود درباره کشورهای جهان نشان می‌دهد که تعداد نظام‌های انتخاباتی در سطح جهان بی‌شمار است. علت اصلی این تعدد ریشه در مؤلفه‌های فرمول انتخاباتی، ساختار برگه رأی‌دهی، وسعت حوزه انتخاباتی و حدنصاب انتخاباتی دارد. به بیان داگلاس رانی منظور از فرمول انتخاباتی، یعنی اینکه نظام انتخاباتی مورد استفاده اکثریتی، تناسبی، تلفیقی و یا از نوع دیگری است؛ و اینکه چه فرمول ریاضی‌ای برای توزیع کرسی‌ها استفاده می‌شود؛ منظور از ساختار برگه رأی‌دهی، یعنی اینکه آیا رأی‌دهندگان به یک نامزد رأی می‌دهند یا به یک حزب؛ و آیا رأی‌دهنده در برگه رأی‌دهی فقط یک حق انتخاب دارد یا مجموعه‌ای از اولویت‌ها را تعیین می‌کند؛ وسعت حوزه‌های انتخابیه: به این معنا که از هر حوزه انتخابیه چه تعداد نماینده انتخاب می‌شود (Rae, 1971:25). و به گفته لیجفارت، منظور از حدنصاب انتخاباتی همان حداقل آرای است که یک کاندیدا و یا حزب برای پیروزی در انتخابات باید به دست آورد (Lijphart, 1995:412). بر اساس این چهار مؤلفه می‌توان نظام‌های انتخاباتی رایج را به چهار شاخه اصلی و دوازده شاخه فرعی تبدیل کرد:

۱. **نظام‌های اکثریتی:** این نظام به ۵ شاخه فرعی نظام‌های اکثریتی ساده یا نسبی که ۴۹ کشور (۲۴ درصد) / نظام رأی دسته‌جمعی شامل ۱۵ کشور (۷/۵ درصد) / نظام رأی دسته‌جمعی حزبی ۴ کشور (۱/۵ درصد) / نظام رأی بدیل ۳ کشور (واقع در منطقه اقیانوسیه: استرالیا، فیجی و گینه جدید پاپوا) / و نظام دومرحله‌ای که ۱۹ کشور (۹/۵ درصد) را شامل شده و در مجموع در سطح جهان ۹۰ کشور از نظام اکثریتی استفاده می‌کنند.

۲. **نظام‌های تناسبی:** این نظام به دوشاخه فرعی نظام تناسبی لیستی که ۷۴ کشور (۳۷ درصد) و نظام تک رأی قابل‌انتقال که ۲ کشور (یک درصد) را شامل شده و در مجموع در سطح جهان ۷۶ کشور از نظام تناسبی استفاده می‌کنند.

۳. **نظام‌های تلفیقی یا مختلط:** این نظام هم به دوشاخه فرعی نظام انتخاباتی موازی با ۲۴ کشور (۱۲ درصد) و نظام تناسبی مبتنی بر اعضای مختلط با ۷ کشور (۳/۵ درصد) را شامل شده و در مجموع در سطح جهان ۳۱ کشور از نظام تلفیقی یا مختلط استفاده می‌کنند.

۴. **سایر نظام‌های انتخاباتی:** سایر نظام‌های انتخاباتی هم با سه‌شاخه نظام انتخاباتی تک رأی غیرقابل انتقال که ۳ کشور (۱/۵ درصد) و نظام انتخاباتی رأی محدود با یک کشور (نیم درصد)، منطقه خودمختار جبل الطارق و نظام انتخاباتی مبتنی بر شمارش بوردا آن‌هم یک کشور (نیم درصد)، کشور کوچک نائورو در اقیانوس آرام را شامل شده که در مجموع در سطح جهان ۵ کشور از این نظام‌های متفاوت استفاده می‌کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱، ۵۵).

از بین نظام‌های انتخاباتی فوق، سه‌نظام انتخاباتی اکثریتی، تناسبی و تلفیقی از رایج‌ترین نظام‌های انتخاباتی در کشورهای دنیا بوده که بیش از ۹۵ درصد کشورهای جهان از یکی از این سه گزینه استفاده می‌کنند. در این بین، انتخابات مجلس عوام انگلستان، مجلس نمایندگان و سنای آمریکا، مجلس خبرگان رهبری و شورای اسلامی شهر و روستا در ایران با نظام اکثریتی یک مرحله‌ای است. انتخابات پارلمانی هلند و پارلمان اروپا بر اساس نظام تناسبی می‌باشند. انتخابات بسیاری از شوراهای محلی شهر یا روستا و انتخابات شورای محلی مناطق در فرانسه بر اساس نظام تلفیقی است.

همچنین نظام انتخابات پارلمانی در کشورهای ژاپن، ایتالیا و آلمان بر اساس نظام تلفیقی است (هریسی نژاد، ۱۳۸۷: ۷۸، ۱۰۱ و ۱۱۵). آن چه که از منظر این تحقیق حائز اهمیت است رابطه نظام انتخاباتی با تقویت حزب در جامعه است. و از آنجایی که نظام انتخاباتی تناسبی منجر به تشکیل احزاب مقتدر و مستقل می‌شود، توجه و تأکیدمان را بر گذار از نظام انتخاباتی اکثریتی بر تناسبی می‌گذاریم.

بنابراین، در ادامه، ابتدا با مطالعه تجارب برخی کشورهای غربی نشان خواهیم داد که گذار از نظامی به نظام دیگر (عمدتاً تناسبی) انتخاباتی امری مرسوم است. سپس با بررسی نظام انتخاباتی در ایران تبیین خواهیم کرد با گذار از نظام انتخاباتی اکثریتی به تناسبی می‌توان امکان استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی را در راستای کارآیی و کارآمدی بیشتر مطرح نظر قرار داد.

چند تجربه از گذارهای نظام انتخاباتی

همان‌گونه که گذشت چگونگی تخصیص کرسی‌های نمایندگی به احزاب و گروه‌های سیاسی، ارتباط مستقیم با نظام انتخاباتی یک کشور دارد. در مطالب فوق توضیح داده شد که در نظام تناسبی، احزاب به تناسب آرای که کسب می‌کنند صاحب کرسی نمایندگی در مجلس می‌شوند. در صورتی که در نظام اکثریتی، احزاب کوچک امیدی برای حضور نمایندگان خود در مجلس نمایندگان ندارند و کرسی‌های نمایندگی بین احزاب بزرگ و قدرتمند تقسیم می‌گردد.

بنابراین، بهبودی نیست که اصلاح نظام انتخاباتی همواره به عنوان یکی از مطالبات و خواسته‌های مهم احزاب سیاسی در بسیاری از کشورها مطرح است. دیوید فارل می‌نویسد فرایند دموکراتیک شدن که از دهه ۱۹۷۰ نخست در اروپای مدیترانه‌ای و پس از آن از اواخر دهه ۱۹۸۰ در بخش‌های مرکزی و شرقی اروپا صورت گرفت، اهمیت بیش از پیش نظام‌های انتخاباتی را نشان می‌دهد (Farell, 1998: 1-2). ما شاهد تجربه کشورهای مختلفی از جمله ایتالیا، کانادا، انگلیس، آلمان، نیوزلند و فرانسه در این زمینه هستیم. کشور نیوزلند سیستم نظام انتخاباتی تلفیقی برگرفته از نظام نمایندگی

تناسبی آلمان را با برگزاری یک همه‌پرسی در سال ۱۹۹۷ تصویب کرد (Lundberg, 2007: 483). یا در کشور انگلستان نیز اگر چه این احساس نیاز توسط مجمع متشکل از نخبگان مستقل توصیه شده بود، اما بر خلاف قول حزب کارگر حاکم این تغییر ایجاد نشد.

در دولت استانی بریتیش کلمبیای کانادا نیز که لزوم تغییر در سیستم انتخاباتی اکثریتی را پیشنهاد داده بودند، و در این پیشنهاد سیستم تک رای قابل انتقال^۲ بر اساس سیستم انتخاباتی تناسبی ایرلند ارایه شده بود که دولت با در نظر گرفتن حدنصاب بالای ۶۰ درصد مانع از تصویب این تغییر شد. همچنین در سال ۱۹۴۹ نظام انتخاباتی تناسبی در آلمان شکل قانونی به خود گرفت. در قانون جدید انتخاباتی جمهوری فدرال پیشنهاد شد که ۶۰ درصد از نمایندگان پارلمان در حوزه‌های تک‌کرسی و از طریق نظام اکثریت نسبی و ۴۰ درصد باقیمانده از طریق نظام تناسبی مبتنی بر فهرست برگزیده شود (Ibid, 486). یا در ایتالیا از سال ۱۹۹۳ بر اساس قانون جدید انتخابات، نظام انتخاباتی تلفیقی را برگزیده شد. در این نظام به شیوه آلمان عمل می‌شود با این تفاوت که ۳/۴ نمایندگان مجلس در حوزه‌های تک‌کرسی از طریق انتخابات اکثریتی یک‌مرحله‌ای و بقیه ۱/۴ از میان فهرست‌های احزاب سیاسی به صورت تناسبی انتخاب می‌شوند (Farrel, 1998:124). و در کشور فرانسه تاکنون دو نوع نظام تلفیقی تجربه شده است. مورد اول، در انتخابات مجلس سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۶ که به "نظام انتخاباتی هم‌خانواده" معروف و مبتنی بر فهرست است. مورد دوم در انتخابات شوراهای شهری بر اساس قانون انتخابات ۱۹۸۲ اعمال می‌شود. هدف از این روش این است که گروه‌های اقلیت و مخالف هم بتوانند در شوراهای شهری حضور داشته باشند و این شوراهای در انحصار گروه خاصی نباشد. در حقیقت این نظام، نظام اکثریتی با استفاده از اصول تناسبی است (ایوبی، ۱۳۸۲: ۱۱۴).

در اولین انتخابات دموکراتیک کشور آفریقای جنوبی در سال ۱۹۹۴ از یک نظام انتخاباتی تناسبی استفاده شد. در این انتخابات «کنگره ملی آفریقا» با بدست آوردن

¹ proportional representation
²single transferable vote

۶۲/۶۵ درصد مجموع آراء موفق به کسب ۶۳ درصد از کرسی های پارلمان گردید. همان طور که ملاحظه می شود در این نوع نظام تناسبی، تناسب میان آراء و کرسی ها بخوبی رعایت شده و آراء هدر رفته تنها ۸/ درصد بوده است. از طرف دیگر ما با مورد کشور لسو که در همسایگی آفریقای جنوبی قرار دارد، مواجه هستیم. این کشور در سال ۱۹۹۳ برای انتخابات پارلمانی خود از نظام کثرتی- اکثریتی کلاسیک نخست نفری استفاده کرد. در این انتخابات «حزب کنگره باسوتو» با در دست داشتن ۷۵ درصد از مجموع آراء رای دهندگان به تنهایی موفق به تصاحب کله کرسی های پارلمان ۶۵ نفری کشور گردید و بدین ترتیب ۲۵ درصد از مجموع آراء رای دهندگان که به احزاب و گروه های مخالف داده شده بود، در پارلمان بی نماینده ماند. یک چنین وضعیتی در انتخابات سال ۱۹۹۲ «جیبوتی» هم بوجود آمد (Reynolds, 2005: 7). با این وجود، به تدریج سیستم انتخاباتی تناسبی به شیوه غالب پارلمانی تبدیل شد.

در حال حاضر ۷۴ کشور از دولت‌های کنونی در جهان از سیستم انتخاباتی تناسبی جهت گزینش نمایندگان پارلمان استفاده می کنند (رینولدز و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۷). همه این موارد نشان می دهند که نظام‌های انتخاباتی در سطح جهان در حال گذار از اکثریتی به سمت بیشتر تناسبی و تا حدودی به تلفیقی است و این گویای اهمیت نظام انتخاباتی تناسبی نسبت به اکثریتی است.

نظام انتخاباتی در ایران

جامعه ایرانی به دلیل تغییر ساختار سیاسی و فرهنگی ناشی از دگرگونی‌ها و انقلاب‌ها دارای فرایند پرفراز و نشیبی است که به صورت اختصار به آن‌ها پرداخته می‌شود. در فاصله زمانی بین مشروطه و انقلاب اسلامی به‌طور کلی سه قانون انتخابات به تصویب رسید: (۱) قانون انتخابات اول، مصوب ۱۲۸۵، (۲) قانون انتخابات دوم، مصوب ۱۲۸۸، و (۳) قانون انتخابات سوم، مصوب ۱۲۹۰ (Alem, 2011: 6).

در این مقطع زمانی در همه انتخاب‌های برگزار شده از برگه رأی‌دهی کاندیدا محور استفاده شده است و رأی‌دهندگان موظف بودند در زمان انتخابات به‌جای رأی‌دهی به احزاب سیاسی در برگه رأی‌دهی خود (به تعداد مورد نیاز) نام کاندیداها را

بنویسند(سائلی کرده ده، ۱۳۷۸:۲۰۵). بنابراین به‌طور کلی به لحاظ ساختار برگه رأی‌دهی، نظام‌های انتخاباتی مورد استفاده در این دوره همگی کاندیدا محور بوده‌اند. فرمول انتخاباتی مورد استفاده برای انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی نیز فرمول اکثریتی بوده است(کواکبیان، ۱۳۸۳:۱۷). اما وسعت حوزه‌های انتخابیه در سراسر کشور گوناگون بوده است. مثلاً در نخستین قانون انتخابات تعداد نمایندگان حوزه‌های انتخابیه تهران ۶۰ نفر تعیین شده بود، در حالی که در همین زمان وسعت برخی حوزه‌های انتخابیه، نظیر حوزه انتخابیه بلوچستان، یک بود، یعنی فقط یک نماینده به آن اختصاص یافته بود. در دو قانون انتخابات بعدی نیز وضعیت به همین صورت بود. بنابراین در هر سه قانون انتخابات قبل از انقلاب اسلامی ما شاهد تنوع در وسعت حوزه‌های انتخابیه (یعنی تنوع در تعداد کرسی‌ها و تعداد نمایندگان اختصاص یافته به هر یک از حوزه‌های انتخابیه) هستیم(خرمشاد و دیگران، ۱۳۹۲:۵۵). همچنین، در قانون انتخابات اول در حوزه‌هایی که انتخابات در آن‌ها یک مرحله‌ای بود (حوزه انتخابیه تهران) حدنصاب انتخاباتی وجود نداشت، اما در مناطقی که انتخابات در آن دو مرحله‌ای بود، حدنصاب انتخاباتی در مرحله اول نصف به علاوه یک آرا بود. در قانون دوم بر اساس ماده ۱۸ حدنصاب انتخاباتی نصف به علاوه یک آرا بود. در سومین قانون انتخابات مصوب ۱۲۹۰، حدنصاب انتخاباتی کاملاً حذف شد و هر کاندیدایی بیش از رقبای خود رأی کسب می‌کردند مستقیماً به مجلس شورای ملی راه می‌یافتند(سائلی کرده ده، ۱۳۷۸: ۲۰۶-۲۰۷).

پس از انقلاب اسلامی تاکنون نیز سه قانون انتخابات به همراه طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی وجود داشته‌است. در نخستین قانون انتخابات که در سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب به تصویب رسانید برگه رأی‌دهی ساختاری کاندیدا محور داشته، وسعت حوزه انتخابیه یکسان نبوده و شاهد تنوع در وسعت حوزه‌های انتخابیه بوده است و حدنصاب تعیین شده برای مرحله اول انتخابات، نصف به علاوه یک کل آرا یم‌آخوذه در هر حوزه انتخابیه و در مرحله دوم این حدنصاب حذف می‌شود. فرمول انتخاباتی مورد استفاده برای گزینش نمایندگان فرمولی اکثریتی است. دومین قانون انتخابات را در سال ۱۳۶۲ مجلس شورای اسلامی دوره اول به تصویب رسانید(سائلی کرده ده، ۱۳۷۸:۳۶۶). همانند قانون انتخابات قبلی ساختار برگه رأی‌دهی کاندیدا محور،

وسعت حوزه‌های انتخابیه متنوع، فرمول اکثریتی و فقط حدنصاب کاهش یافت و به یک‌سوم کل آرا تغییر کرد.

سومین قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۸ را مجلس پنجم به تصویب رسانید. در اینجا هم نیز تا حدود زیادی شبیه نظام انتخاباتی برآمده از قوانین انتخابات اول و دوم بود. در قانون انتخابات سوم نیز برگه‌های رأی‌دهی ساختاری کاندیدا محور داشته و رأی‌دهندگان صرفاً باید به کاندیداها رأی بدهند و نه به احزاب سیاسی (کواکبان، ۱۳۸۳: ۷۲). حوزه‌های انتخابیه متنوع و متفاوت، فرمول انتخاباتی همانند قبلی‌ها اکثریتی و فقط حدنصاب مجدداً کاهش و به یک‌چهارم تقلیل پیدا کرده و در مرحله دوم این حدنصاب حذف و کاندیداها با کسب اکثریت نسبی آرا، به مجلس شورای اسلامی راه پیدا می‌کردند. همچنین اصلاح موادی از قانون انتخابات تحت عنوان ماده ۸ در فصل دوم همان قانون در سال ۱۳۹۵ در دستور کار قرار گرفت که در اینجا هم باز حدنصاب کاهش یافته و به یک پنجم تنزل پیدا کرد. معنای کاهش مذکور این است که در همان مرحله اول اگر کاندیدایی ۲۰ درصد آرای صحیح‌ماخوذه را کسب نماید، پیروز انتخابات است که این قانون در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در مورخه دوم اسفند ۱۳۹۸ جاری و اجرا گردید. در آخرین اقدام، طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی (مصوب ۱۳۹۸/۲/۳ مجلس و ارسالی به شورای نگهبان) مشتمل بر ۵۷ ماده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ سه اردیبهشت ۱۳۹۸ به تصویب رسید که بعد از کش و قوس‌های فی‌مابین کمیسیون‌های مجلس، صحن علنی و شورای نگهبان در رفت و آمد است.

بنابراین می‌توان گفت در همه انتخاب‌های مجلس شورای اسلامی که در سال‌های پس از انقلاب برگزار شده از نظام انتخاباتی واحدی استفاده شده است. به عبارت دیگر، نظام انتخاباتی برآمده از سه قانون انتخابات تصویب شده در سال‌های پس از انقلاب، نظام انتخاباتی دومرحله‌ای (اکثریتی) بوده است. در همه این قوانین انتخابات، سه جزء از چهار جزء نظام انتخاباتی همواره ثابت بوده و تغییری نکرده است، و فقط یک جزء دچار تغییر و تحول شده است. این موارد نشان می‌دهد قانون‌گذار، صاحب‌نظران و مراجع ذی‌صلاح تصمیم‌گیر در این خصوص هر زمان به فکر اصلاح قوانین انتخابات

بوده‌اند، همیشه از اصلی‌ترین جزء آن یعنی نظام انتخاباتی غافل بوده و بیشتر به اصلاحات شکلی و... پرداخته‌اند. جداول زیر گویای شرایط نظام انتخاباتی ایران بر اساس نظام انتخاباتی اکثریتی است.

نظام‌های انتخاباتی از مشروطه تا انقلاب اسلامی

قانون انتخابات سوم، مصوب ۱۲۹۰	قانون انتخابات دوم، مصوب ۱۲۸۸	۱) قانون انتخابات اول، مصوب ۱۲۸۵		چهار نظام‌های انتخاباتی
وسعت حوزه انتخابیه یک (اکثریتی ساده)	وسعت حوزه‌های بیش از یک (رأیدسته جمعی)	کاندیدا محور	تهران (رأی دسته جمعی)	ساختار برگه رأی دهی
کاندیدا محور	کاندیدا محور	کاندیدا محور	کاندیدا محور	
اکثریتی	اکثریتی	اکثریتی	اکثریتی	فرمول انتخاباتی
یک	بیش از یک	متنوع	متنوع	وسعت حوزه انتخابیه
وجود نداشت	وجود نداشت	در مرحله اول و دوم نصف بعلاوه یک	در مرحله اول نصف بعلاوه یک آرا و در مرحله دوم وجود نداشت	حدنصاب انتخاباتی

نظام‌های انتخاباتی در ایران پس از انقلاب اسلامی

اصلاح موادی از قانون انتخابات مصوب ۱۳۹۵ ماده ۸ فصل دوم	سومین قانون انتخابات، مصوب ۱۳۷۸	دومین قانون انتخابات، مصوب ۱۳۶۲	اولین قانون انتخابات، مصوب ۱۳۵۸	چهار جز نظام‌های انتخاباتی
کاندیدا محور	کاندیدا محور	کاندیدا محور	کاندیدا محور	ساختار برگه رأی‌دهی
اکثریتی	اکثریتی	اکثریتی	اکثریتی	فرمول انتخاباتی
متنوع	متنوع	متنوع	متنوع	وسعت حوزه انتخابیه
در مرحله اول ۱/۵ (۲۰ درصد) کل آرا و در مرحله دوم وجود ندارد.	در مرحله اول ۱/۴ (۲۵ درصد) کل آرا و در مرحله دوم وجود نداشت.	در مرحله اول ۱/۳ کل آرا و در مرحله دوم وجود نداشت.	در مرحله اول نصف بعلاوه یک کل آرا و در مرحله دوم وجود نداشت.	حدنصاب انتخاباتی

طرح استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی

ریشه ایده استانی شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس به قبل از انقلاب ۱۳۵۷ برمی‌گردد که در نهایت منجر به تصویب طرح‌هایی در مجلس شورای اسلامی شده است. تمام طرح‌های مصوب مجلس، برگزاری استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی را همراه با اجرای نظام انتخاباتی اکثریتی پیش‌بینی می‌کردند. این طرح‌ها با ایرادات مربوط به مغایرت با موازین شرع یا قانون اساسی در شورای نگهبان مواجه شدند. تکرار این طرح در دوره‌های ششم، هفتم، هشتم، نهم و دهم مجلس شورای اسلامی دال بر ضرورت حوزه‌بندی استانی شدن انتخابات مجلس را نشان می‌دهد، اما همین طرح دارای برخی مزایا و معایب است.

مزایای این طرح عبارتند از: پرداختن بهتر نمایندگان به وظایف ملی؛ کاهش دغدغه‌های قومی و مذهبی؛ رشد حزب و گسترش فرهنگ و اندیشه حزبی؛ تقویت نقش شوراها و امکان مانور بیشتر آن‌ها؛ ورود افراد شناخته‌شده و شایسته؛ امکان محدود کردن تعداد کاندیداها؛ و مسلط شدن نگرش ملی در نمایندگان. در مقابل این ایرادات

هم بدان وارد است که باعث: کاهش حس بومی و عدم توان نمایندگان در رسیدگی به سطوح پایین؛ افزایش هزینه‌های انتخاباتی؛ به حاشیه راندن مناطق کوچک و شهرها؛ ورود افراد مشهور و متمدول به مجلس؛ کاهش مشارکت مردم در انتخابات؛ افزایش شکاف و تنش‌های اجتماعی؛ و بی‌پاسخ ماندن خواسته‌های مردم می‌گردد (کوهشاهی، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

با این حال، مجلس شورای اسلامی با تاکید بر معیارهای جمعیتی و جغرافیایی، محدوده حوزه‌های انتخابیه را تعیین کرده و تلاش‌ها برای حوزه‌بندی استانی انتخابات مجلس تاکنون با ایرادات شورای نگهبان مواجه شده است. تمام طرح‌های مصوب مجلس شورای اسلامی برگزاری استانی انتخابات مجلس را با نظام انتخاباتی اکثریتی پیش‌بینی کرده‌اند. در واقع دغدغه اصلی طراحان استانی شدن انتخابات، حوزه‌بندی استانی انتخابات مجلس بوده و هیچ‌گاه نظام انتخاباتی مجلس یعنی کیفیت تبدیل آرای مردم به کرسی‌های استانی مورد توجه جدی مجلس نبوده است.

اما در استانی شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس نباید از پیشنهاد نظام انتخاباتی مناسب غفلت کرد. بسیاری از معایب احتمالی استانی شدن انتخابات مجلس در صورت تعیین نظام انتخاباتی تناسبی و یا حتی تلفیقی رفع می‌شوند. به عبارت دیگر شایسته است که مجلس شورای اسلامی هم‌زمان با حوزه‌بندی استانی انتخابات مجلس، نظام انتخاباتی اکثریتی را تعدیل نماید. به منظور رویارویی با حداکثر مزایا و حداقل معایب استانی شدن انتخابات مجلس اجرای نظام انتخاباتی تناسبی پیشنهاد می‌شود. این نظام می‌تواند از یک سو ثبات لازم را برای فعالیت توسعه‌گرایانه دولت‌ها فراهم کند و از دیگر سو حقوق گروه‌ها و احزاب اقلیت و ملاحظات مربوط به تنوعات قومی و مذهبی را لحاظ کند. در انتخابات استانی مجلس می‌توان با به‌کارگیری نظام‌های اکثریتی (برای حوزه‌های تک‌کرسی) و نظام تناسبی (در حوزه‌های انتخابیه غیر تک‌کرسی) به امر استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی کمک کرد.

در مقام برگزاری انتخابات مجلس با نظام انتخاباتی تناسبی (مشابه انتخابات بوندستاگ آلمان) باید قلمرو جغرافیایی هر استان به‌عنوان حوزه انتخابیه اصلی لحاظ شود. در محدوده جغرافیایی هر استان نیز باید به تعیین حوزه‌های انتخابیه فرعی

(منطقه‌ای) به صورت تک کرسی متشکل از شهرستان یا بخش پرداخت. هر حوزه انتخاباتی می‌تواند از دو یا چند شهرستان و احیانا بخش‌های هم‌جوار با لحاظ معیار جمعیتی تعیین شود. نظام اکثریت نسبی می‌تواند برای انتخاب نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه فرعی تک‌کرسی مورد استفاده واقع شود. کرسی‌های حوزه انتخابیه اصلی می‌توانند نظام تناسبی بین فهرست‌های رقیب در حوزه استانی تقسیم شوند. در کنار حوزه‌های انتخابیه استانی و منطقه‌ای باید حوزه‌های دینی را مطابق معیارهای جغرافیایی و دینی به دلیل استثنایی آنان توسط قانون‌گذار تعیین کرد.

بیهوده نیست که برخی از پژوهشگران، قانون‌های انتخاباتی یک کشور را قانون اساسی آن کشور می‌دانند، چرا که قوانین انتخاباتی دارای آثار سیاسی و حتی روانی فراوانی است که توجه به آن‌ها قبل از گزینش نظام انتخاباتی برای یک کشور ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

اما اکنون نظر نویسندگان این است که بهتر است مثل همه کشورهای موفق دنیا در این زمینه مانند آلمان، بلژیک و هلند متناسب با نظام انتخاباتی استانی یا فدرالی، از فرمول تناسبی استفاده گردد. زیرا قانون‌های انتخاباتی تاثیر مستقیم بر رفتار سیاسی احزاب و رای دهندگان دارد. قانون‌های انتخاباتی از جهات مختلف می‌توانند احزاب سیاسی را تحت تاثیر خود قرار دهند. پژوهش‌های انجام شده نشانگر این واقعیت است که قانون‌های انتخاباتی بر تعداد احزاب در یک کشور موثر است.

قانون‌های انتخاباتی می‌تواند شیوه‌ها و خط‌مشی تبلیغاتی و مبارزاتی احزاب را نیز بشدت متاثر سازد. کاتز در سال ۱۹۸۰ با مطالعه نظام‌های انتخاباتی جوامع مختلف مشاهده کرد جوامعی که دارای نظام تناسبی و حوزه‌های بزرگ و چند کرسی هستند، دارای احزاب بسیار آرمانخواه و ایدئولوژیک هستند (KATZ, 1980:202). به ویژه نظام مبتنی بر فهرست بسته موجب می‌شود احزاب سیاسی دارای قدرت فراوانی شده، رهبران احزاب بازیگران اصلی صحنه سیاست باشند، نظام تناسبی و فهرست بسته بهترین نظام است و در انتخابات نباید به خود تردید راه داد. در غیر اینصورت باید به سراغ نظم‌های دیگر انتخاباتی رفت.

در مقابل نظام تناسبی با فهرست باز، تاحدی از شدت قدرت احزاب سیاسی می‌کاهد و زمینه را برای آزادی عمل نسبی نامزدها بازمی‌کند. از آنجاکه رأی دهندگان به دلخواه خویش از میان نامزدهای معرفی شده از سوی احزاب، به تنظیم فهرست اقدام می‌کنند، تبلیغات تاحدی به سمت نامزدمحوری سوق می‌یابد. همانگونه که ملاحظه می‌شود، نظام انتخاباتی می‌تواند اثر مستقیمی بر رفتار احزاب سیاسی و نامزدها داشته باشد. نظام انتخاباتی نه تنها بر رفتار و خط مشی احزاب سیاسی مؤثر است، بلکه اثرهای روانی قابل ملاحظه‌ای بر رفتار رأی دهندگان نیز دارد. ذکر شد که در نظام اکثریتی یک مرحله‌ای، رأی دهندگان ناچارند به جای انتخاب افراد دلخواه و مورد علاقه‌ی خود، کسانی را برگزینند که امید بیشتری برای راهیابی به مجلس دارند. این رأی که از آن به «رأی سفید» یا «رأی تاکتیکی» یاد می‌شود، گاه موجب می‌شود رأی دهنده از میان بد و بدتر، بد را برگزیند تا راه را بر بدتر سد نماید (Lawrence, 1996: 68).

طبیعتاً در نظام‌های تناسبی، مردم فرصت بهتری برای ابراز خواسته‌های قلبی خود دارند و رأی تاکتیکی جای خود را به رأی واقعی می‌دهد. البته گفتنی است که در بیشتر نظام‌های تناسبی نیز برای این که احزاب سیاسی بتوانند در تخصیص کرسی‌های نمایندگی به تناسب آرای خود سهم شونند، باید حد نصابی را احراز کنند. این حد نصاب در کشورهای گوناگون متفاوت است و گاه به ۱۲ درصد آرا هم می‌رسد. یعنی احزابی که آرای شان کمتر از حد نصاب باشد، امیدی برای احراز کرسی نمایندگی ندارد و طرفداران آنان چاره‌ای جز زای تاکتیکی ندارند. بنابراین در نظام تناسبی هم رأی مفید یا تاکتیکی به کلی از میان نمی‌رود. ریچارد گیوثر^۱ با بررسی انتخابات مختلف در کشورهای که دارای نظام تناسبی هستند، نشان می‌دهد که طرفداران احزاب کوچک، بیشتر به حزب دلخواه خود رأی نمی‌دهند و احزابی را بر می‌گزینند که مطمئن باشند بالاتر از حد نصاب لازم رأی خواهند آورد (Guwither, 1989: 832-59).

قبل از گزینش نظام انتخاباتی دلخواه باید به این نکته توجه کرد که ارتباط مستقیمی میان احراز اکثریت پارلمانی و نظام انتخاباتی وجود دارد. بلیس و کارتی با مطالعه ۵۴۰ انتخابات در بیست کشور مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که تنها ده درصد از مجالس

1. Richard Guwither

قانونگذار مبتنی بر نظام تناسبی، شاهد تشکیل اکثریت پارلمانی است؛ بنابراین با احتمال نود درصد می‌توان معتقد بود که نظام تناسبی با مشکل احراز اکثریت پارلمانی روبرو است و احزاب ناچار به ائتلاف با یکدیگر برای تشکیل اکثریت هستند (Blais, 1987:79).

لیجفارت نیز در بررسی نتایج انتخابات ۲۷ کشور بین سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۹۰ به این نتیجه می‌رسد که تنها بیست درصد از مجالس مبتنی بر نظام تناسبی توانستند اکثریت پارلمانی را شاهد باشند (Lijphart, 1994:112). در مقابل، نظام اکثریتی یک مرحله‌ای تا ۶۹ درصد می‌تواند منجر به اکثریت یک حزب در مجلس قانونگذار شود. تحقیقات نشان می‌دهد که درصد یاد شده بیشتر است و در نظام اکثریت یک مرحله‌ای تا ۹۳ درصد شاهد اکثریت‌های پارلمانی هستیم. در خصوص نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای، تحقیقات حالتی بینابین را نشان می‌دهد. مطالعه‌ی انتخابات استرالیا و فرانسه نشان می‌دهد در پنجاه درصد موارد، اکثریت پارلمانی حاصل شده است (Blais, 1987:79). حاصل آن که انتخاب میان نظام اکثریتی یا تناسبی، انتخابی است میان مجلس حائز اکثریت پارلمانی یک حزب یا مجلس مبتنی بر ائتلاف میان احزاب.

پیپا نوریس، در همین راستا، معتقد است در کشورهایی که دارای نظام انتخاباتی اکثریتی بوده ولی آن را به یک نظام تناسبی تغییر داده‌اند، شاهد شکل‌گیری احزاب سیاسی قدرتمند بوده‌ایم (Norris, 2004:108). بدین ترتیب، در کل می‌توان عنوان کرد که نظام انتخاباتی دو مرحله‌ای کاندیدا محور، یکی از مهم‌ترین موانع شکل‌گیری احزاب قدرتمند و کارآمد در کشورهای مختلف است. برعکس در کشورهایی که از نظام انتخاباتی تناسبی که حزب محور هستند استفاده می‌کنند، هم تعداد احزاب سیاسی بیشتر است و هم احزاب قدرتمندتر و کارآمدتر (Norris, 2004:100-107). بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران هم اگر می‌خواهد نظام انتخاباتی مبتنی بر احزاب قدرتمند داشته باشد و طرح استانی شدن انتخابات به درستی به سر منزل مقصود برسد ضرورت دارد که از نظام انتخاباتی اکثریتی به نظام انتخاباتی تناسبی گذر نماید.

اهمیت حوزه‌بندی آن‌قدر قابل توجه است که دیوید فارل به طراحان نظام‌های انتخاباتی (به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه) مثل ایران توصیه می‌کند در زمان

طراحی نظام انتخاباتی کشور خود، به مسئله‌کاندیدا محور یا حزب محور بودن نظام انتخاباتی توجه ویژه‌ای داشته باشند (Farrel, 2011:180). بر مبنای این توصیه مهم و متناسب با وضعیت کشور و قانون‌های انتخابات آن از سال ۱۳۸۵ به این سو و ناکارآمدی‌های موجود، می‌توان با تغییر نظام انتخاباتی از اکثریتی به تناسب، بسیاری از نواقص و مشکلات نظام فعلی را مرتفع کرده و به سمت اصلاح مابقی ارکان نظام انتخاباتی حرکت کرد.

نتیجه‌گیری

مطالعه نظام انتخاباتی در ایران نشان می‌دهد که فرمول انتخاباتی از اولین قانون انتخابات کشور در سال ۱۳۸۵ تاکنون ثابت بوده و از نوع اکثریتی است که مانع شکل‌گیری احزاب قدتمند در ایران می‌شود. تمام طرح‌های مصوب مجلس شورای اسلامی برگزاری استانی انتخابات مجلس نیز بر اساس نظام انتخاباتی اکثریتی است. در واقع، دغدغه اصلی طراحان استانی شدن انتخابات، حوزه‌بندی استانی انتخابات مجلس بوده و هیچ‌گاه نظام انتخاباتی مجلس یعنی کیفیت تبدیل آرای مردم به کرسی‌های استانی مورد توجه جدی مجلس نبوده است. ما در این تحقیق با اتکاء به تجارب کشورهای پیشرو در این زمینه به مانند نیوزلند، ایتالیا، انگلستان، آلمان و کانادا پیشنهاد نظام انتخاباتی تناسبی را طرح کردیم تا بسیاری از معایب احتمالی استانی شدن انتخابات مجلس در صورت تعیین نظام انتخاباتی تناسبی و یا حتی تلفیقی رفع شود. این نظام انتخاباتی می‌تواند از یک سو ثبات لازم برای فعالیت توسعه‌گرایانه دولت‌ها فراهم کند و از دیگر سو حقوق گروه‌ها و احزاب اقلیت و ملاحظات مربوط به تنوعات قومی و مذهبی را لحاظ کرده و متناسب و به‌مانند همه نظام‌های موفق دنیا در این زمینه عمل نماید.

انتخابات استانی بدون در نظر گرفتن تناسبی بودن آرای بی‌معنی است. هیچ نظام انتخاباتی در دنیا پیدا نمی‌شود که انتخاباتش استانی یا فدرالی بوده اما نوع نظام انتخاباتی آن اکثریتی باشد. به عبارت دیگر در هیچ جای دنیا انتخابات استانی و فدرالی، اکثریتی نیست، بلکه تناسبی است.

منابع

- اکبری و همکاران. (۱۳۹۵). «استانی شدن انتخابات؛ تمرکزگرایی یا تمرکززدایی»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان*، سال ۱۱، ش ۱
- ایوبی، حجت‌الله. (۱۳۸۲). *اکثریت چگونه حکومت می‌کنند؟*، تهران: سروش.
- تقی‌زاده، جواد و همکاران. (۱۳۸۸). «استانی شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال چهارم، شماره چهارم.
- خرمشاد و همکاران. (۱۳۹۷). «نظام انتخاباتی و تأثیر آن بر نظام حزبی در ایران»، *فصل‌نامه جامعه‌شناسی سیاسی در ایران*، سال اول، ش ۱.
- دوورژه، موریس. (۱۳۸۹). *اصول علم سیاست*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: امیرکبیر.
- رز، ریچارد. (۱۳۹۰). *دایره المعارف بین‌المللی انتخابات*، ترجمه محمد تقیدل‌فروز: نشر میزان.
- رینولدز، آندرو؛ بن رایلی و دیگران. (۱۳۹۱). *دانشنامه نظام‌های انتخاباتی*، ترجمه ابودر رفیعی قهساره، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سائلی کرده ده، مجید. (۱۳۷۸). *سیر تحول قوانین انتخاباتی در ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عباسی، بیژن. (۱۳۸۷). *نقد و بررسی نظام‌های انتخاباتی اکثریتی و تناسبی*، دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- فارل، دیوید. (۱۳۹۰). *نظام‌های انتخاباتی رأی‌دهندگان*، ترجمه ابودر رفیعی قهساره، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- کواکبیان، مصطفی. (۱۳۸۳). *گفتمان آزادی و مردم‌سالاری*، تهران: پازینه.
- لاندر، کریستر. (۱۳۸۹). *عوامل موقعیتی‌گزینش نظام انتخاباتی: مطالعه مقایسه‌ای کلان*، ترجمه علیرضا عیاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
- مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی (دفتر مطالعات سیاسی)، «گزارش کارشناسی درباره طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه»، شماره مسلسل ۱۳۸۱۴، ۶۴۵۸ و حمیدرضا

رحمانی زاده دهکردی و پدرام سعید، "استانی شدن حوزه‌های انتخابیه"، *مجلس و پژوهش*، سال نهم، شماره ۳۶.

منصوریان، مصطفی. (۱۳۹۶). *نظام حقوقی حاکم بر انتخابات*، جلد نخست: نظام‌های انتخاباتی؛ پژوهشکده شورای نگهبان

میرزاده کوهشانی، نادر و مهدی. (۱۳۹۰). «امکان‌سنجی استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال چهارم، شماره ۱۴.

۲۲۳

نوذری، حسینعلی. (۱۳۸۱). *احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی*، تهران: نشر گستره.

هریسی‌نژاد، کمال‌الدین. (۱۳۸۷). *حقوق اساسی تطبیقی*، تبریز: آیدین.

هیود، اندرو. (۱۳۸۹). *سیاست، عبدالرحمان عالم*، تهران: نشر نی.

- Alem, yasemin (2011). Duality by design: the iranian electoral system. International foundation for electoral systems.
- Blais André. kent carti, "The psychologica Impact of Electoral Lawe: Measuring Duverger"s Elwsive Factor", *British Journal of political science*. 1991, pp. 79-93
- Blais André. Kent Karty. "The Impact of Electoral Formula on the creation of Majority Government". *Electoral studies*. 1987. pp. 79
- Duverger M. *Les parties politiques*. Paris, Armand colin, 1971.
- Farrel, david. (2011). *electoral Systems: A comparative interoduction*. palgrave macmillan.
- Gallagher, Michael and Paul Mitchell (2008). *The Politics of Electoral systems*, Oxford: Oxford University Press.
- Guwither Richard. "Electoral Law. Party systems, and Flites. The case of spain", *American potitical science Review*, 1989, pp. 832-59.
- Katz Richard. (2007). *A Theory of parties and Electoral systems*, Baltimore, John Hopkins university press.
- Katz Richard s, *A Theory of parties and Electoral systems*, Baltimore, John Hopkins University press, 1980.
- Lijphart, Arend (1995). *Electoral Systems and Party Systems: A study of Twenty-Seven Demicracies, 1945-1990*. Oxford University Press, USA.
- Lundberg thomas carl. " electoral system reviews in new Zealand, britain and canada: A critical compairison", *Government and opposition*. vol.42, no 4.2007, pp 471-490



- Norris, Pippa. (2004). *Electoral Engineering: Voting Rules and Political Behavior*. Cambridge University Press.
- Norris, Pippa (2008). *Driving Democracy: Do Power-sharing Institutions Work?*, New York: Cambridge University Press.
- Powell, Bingham G. (2000). *Election as Instrument of Democracy: Majoritarian and Proportional Visions*. New Haven and London: Yale University Press.
- Rae, Douglas W. (1971). *The Political Consequences of Electoral Law*, New Haven: University Press.
- Reynolds, Andrew and Layna Mosley (2002). *THE CONSEQUENCES OF ELECTORAL SYSTEMS: A GLOBAL STUDY*, the Conference on the Consequences of Institutions in Democracy, Duke University.
- Reynolds, Andrew and et al. (2005). *Electoral System Design: The New International IDEA Handbook* Stockholm.
- Richard, Rose. (2000). *International Encyclopedia of Election*. London: Macmillan Reference Ltd.
- Taagepera, Rein and Matthew Shugart (1991). *The Effects and Determinants of Electoral Systems*, Yale: Yale University Press.

۲۲۴



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره (سال) ۱۱،

شماره ۳، پیاپی

۴۲، پاییز ۱۴۰۰